

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۳۵۴

آیه ۹۴ - ۹۶

آیه و ترجمه

قل ان كانت لكم الدار الآخرة عند الله خالصة من دون الناس فتمنوا الموت ان كنتم صادقين ۹۴

و لن يتمنوه ابا بما قدمت ايديهم والله عليم بالظلمين ۹۵  
و لتجدنهم احرص الناس على حياة و من الذين اشرکوا يود احدهم لو يعمر الف سنة و ما هو بمزحزحه من العذاب ان يعمر و الله بصير بما يعلمون ۹۶

ترجمه :

۹۴- بگو اگر (آنچنانکه مدعی هستید) سرای دیگر در نزد خدا مخصوص شما است نه سایر مردم پس آرزوی مرگ کنید اگر راست می گوئید.  
۹۵- ولی آنها هرگز به خاطر اعمال بدی که پیش از خود فرستاده اند آرزوی مردن نخواهند کرد و خداوند از ستمگران آگاه است.  
۹۶- آنها را حریصترین مردم حتی حریصتر از مشرکان بر زندگی (این دنیا و اندوختن ثروت) خواهی یافت (تا آنجا) که هر یک از آنها دوست دارد هزار سال عمر کند در حالی که این عمر طولانی او را از عقاب خداوند باز نخواهد داشت و خداوند به اعمال آنها بینا است.

تفسیر :

گروه از خود راضی

از تاریخ زندگی یهود - علاوه بر آیات مختلف قرآن مجید - چنین برمی آید

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۳۵۵

که آنها خود را یک نژاد برتر می دانستند، و معتقد بودند گل سر سبد جامعه انسانیتند، بهشت به خاطر آنها آفریده شده!، و آتش جهنم با آنها چندان کاری ندارد! آنها فرزندان خدا و دوستان خاص او هستند، و خلاصه آنچه خوبان همه دارند آنها تنها دارند!

این خودخواهی ابلهانه در آیات مختلفی از قرآن که سخن از یهود منعکس است.

در آیه ۱۸ سوره مائده می خوانیم: نحن ابناء الله و احبائه: «ما فرزندان خدا و دوستان خاص او هستیم».

و در آیه ۱۱۱ سوره بقره می خوانیم: وقالوا لن يدخل الجنة الا من كان هودا او نصاری: «آنها گفتند کسی در بهشت داخل نمی شود مگر اینکه یهودی یا نصرانی باشد».

و در آیه ۸۰ سوره بقره می خوانیم و قالوا لن تمسنا النار الا اياما معدودة: «آتش دوزخ جز چند روزی به ما اصابت نخواهد کرد».

این پندارهای موهوم از یکسو آنها را به ظلم و جنایت و گناه و طغیان دعوت می کرد، و از سوی دیگر به کبر و خودپسندی و خود برتر بینی.

قرآن مجید در آیات فوق پاسخ دندان شکنی می دهد می گوید: «اگر (آنچنان که شما مدعی هستید) سرای آخرت نزد خدا مخصوص شما است نه سایر مردم پس آرزوی مرگ کنید اگر راست می گوئید» (قل ان كانت لكم الدار الآخرة عند الله خالصة من دون الناس فتمنوا الموت ان كنتم صادقين).

آیا میل ندارید به جوار رحمت خدا پناه برید و نعمتهای بی پایان بهشت در اختیار شما باشد آیا دوست، آرزوی دیدن محبوب خود را ندارد؟! یهود با گفتن این سخنها که بهشت مخصوص ما است یا ما چند روزی بیش در آتش نمی سوزیم، می خواستند مسلمانان را نسبت به آئینشان دلسرد کنند.

#### تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۳۵۶

ولی قرآن پرده از روی دروغ و تزویر آنان بر می دارد، زیرا آنها به هیچوجه حاضر به ترک زندگی دنیا نیستند و این خود دلیل محکمی بر کذب آنها است، راستی اگر انسان چنان ایمانی به سرای آخرت داشته باشد چرا اینقدر به زندگی این جهان دل ببندد؟ و برای وصول به آن مرتکب هزار گونه جنایت شود؟

در آیه بعد، قرآن اضافه می کند: «آنها هرگز تمنای مرگ نخواهند کرد، به خاطر اعمال بدی که پیش از خود فرستادند» (و لن يتمنوه ابدا بما قدمت ايديهم).

«و خداوند از ستمگران، آگاه است» (و الله عليم بالظالمين).

آری آنها می دانستند در پرونده اعمالشان چه نقطه های سیاه و تاریک وجود دارد، آنها از اعمال زشت و ننگین خود مطلع بودند، خدا نیز از اعمال این ستمگران آگاه است، بنابراین سرای آخرت برای آنها سرای عذاب و شکنجه و

رسوائی است و به همین دلیل خواهان آن نیستند.  
آخرین آیه مورد بحث از حرص شدید آنها به مادیات چنین سخن می گوید تو  
آنها را حریصترین مردم بر زندگی می بینی» (و لتجدنهم احرص الناس على  
حياة).

«حتی حریصتر از مشرکان» (و من الذين اشركوا).  
حریص در اندوختن مال و ثروت، حریص در قبضه کردن دنیا، حریص در  
انحصار طلبی، آنها حتی از مشرکان که طبعاً می بایست در جمع آوری اموال از  
همه حریصتر باشند و از هر راه بدست آورند باکی نداشته باشند حریصترند.  
«آنچنان علاقه به دنیا دارند که هر یک از آنها دوست دارد هزار سال عمر  
کند». (یود احدهم لو يعمر الف سنة).

---

#### تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۳۵۷

برای جمع ثروت بیشتر یا به خاطر ترس از مجازات!  
آری هر یک تمنای عمر هزار ساله دارد «ولی این عمر طولانی او را از عذاب  
خداوند باز نخواهد داشت» (و ما هو بمزحزحه من العذاب ان يعمر).  
و اگر گمان کنند که خداوند از اعمالشان آگاه نیست، اشتباه می کنند  
«خداوند نسبت به اعمال آنها بصیر و بینا است» (و الله بصير بما يعملون).

#### نکته ها

##### نکته : ۱

البتّه باید توجه داشت که مقصود از هزار سال، عدد هزار نیست، بلکه کنایه از  
عمر بسیار طولانی است و به تعبیر دیگر عدد تکثیر است نه «تعداد».  
بعضی از مفسران می گویند: عدد هزار در آن زمان بزرگترین عدد نزد عرب  
بوده و اعداد بزرگتر از آن نام مخصوصی نداشته است، ولذا رساترین تعبیر  
برای فزونی محسوب می شده است.

##### نکته : ۲

تعبیر به علی حیاة (به صورت نکره) به گفته جمعی از مفسران برای تحقیر  
است یعنی آنها آنقدر به زندگی دنیا دل بسته اند که حتی پستترین زندگی  
این جهان را که در نهایت بدبختی باشد بر سرای آخرت ترجیح می دهند.

##### نکته : ۳

بی شک سرچشمه بسیاری از جنگها و خونریزها در طول تاریخ بشر برتری  
جوئی نژادی بوده است، مخصوصاً در جنگ جهانی اول و دوم که بزرگترین

رقم تلفات و ویرانی را در تاریخ همراه داشت، عامل نژاد پرستی آلمانها (یا حزب نازی) عامل غیر قابل انکاری بود.

---

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۳۵۸

و اگر بنا شود نژاد پرستان جهان را رده بندی کنیم بدون شک یهود در رده های بالا قرار خواهند گرفت، هم اکنون کشوری را که آنها به نام اسرائیل تشکیل داده اند بر مبنای همین مسأله نژاد تاءسیس شده، چه جنایتهای هولناکی که برای تشکیل آن مرتکب شدند، و چه جنایات وحشتناکی که برای نگهداری آن مرتکب می شوند.

آنها حتی آئین موسی (علیه السلام) را در نژاد خود محصور ساخته اند، و اگر کسی از غیر نژاد یهود بخواهد این آئین را بپذیرد برای آنها جالب نیست، به همین دلیل تبلیغ و دعوت به سوی آئین خود در میان اقوام دیگر نمی کنند. همین وضع خاص آنها سبب شده که در انظار جهانیان منفور گردند، چرا که مردم دنیا کسانی را که برای خود امتیازی بر دیگران قائل باشند هرگز دوست ندارند.

اصولا نژاد پرستی شعبه های از شرک است و به همین دلیل اسلام شدیداً با آن مبارزه کرده و همه انسانها را از یک پدر و مادر می داند که امتیازشان تنها به تقوا و پرهیزکاری است.

نکته : ۴

بیشتر مردم از مرگ می ترسند و وحشت دارند و پس از تحلیل و بررسی می بینیم که ریشه این ترس را یکی از دو چیز تشکیل می دهد:

۱- بسیاری از مردم مرگ را به معنی فنا و نیستی و نابودی تفسیر می کنند و بدیهی است که انسان از فنا و نیستی وحشت دارد، اگر انسان مرگ را به این معنی تفسیر کند حتماً از آن گریزان خواهد بود، و لذا حتی در بهترین حالات زندگی و در اوج پیروزی فکر این مطلب که روزی این زندگی پایان می یابد، شهد زندگی را در کام آنان زهر می کند، و همیشه از این نظر نگرانند.

---

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۳۵۹

۲- افرادی که مرگ را پایان زندگی نمی دانند و مقدمه ای برای زندگی در سرائی وسیعتر و عالتر می بینند به خاطر اعمال خود و خلافاکاریها از مرگ وحشت دارند، زیرا مرگ را آغاز رسیدن به نتایج شوم اعمال خود می بینند،

بنابراین برای فرار از محاسبه الهی و کیفر اعمال، میل دارند هر چه بیشتر مرگ را به عقب بیندازند، آیه بالا اشاره به دسته دوم می‌کند ولی پیغمبران بزرگ خدا از یکسو ایمان به زندگی جاویدان بعد از مرگ را در دلها زنده کردند و چهره ظاهری وحشتناک مرگ را در نظرها دگرگون ساخته، چهره واقعی آن را که دریچه‌ای به زندگی عالیتراست به مردم نشان دادند.

و از سوی دیگر دعوت به «پاکی عمل» کردند تا وحشت از مرگ بخاطر کیفر اعمال نیز زائل گردد، بنابراین مردم با ایمان از پایان زندگی و مرگ بهیچوجه وحشت ندارند.

---

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۳۶۰

آیه ۹۷ - ۹۸

آیه و ترجمه

قل من كان عدوا لجبريل فانه نزله على قلبك باذن الله مصدقا لما بين يديه و هدى و بشرى للمؤمنين ۹۷

من كان عدوا لله و ملائكته و رسله و جبريل و ميكال فان الله عدو للكافرين ۹۸  
ترجمه :

۹۷- (آنها می‌گویند چون فرشته‌های که وحی بر تو نازل می‌کند جبرئیل است و ما با جبرئیل دشمن هستیم به تو ایمان نمی‌آوریم) بگو کسی که دشمن جبرئیل باشد (در حقیقت دشمن خدا است) چرا که او به فرمان خدا قرآن را بر قلب تو نازل کرده است، قرآنی که کتب آسمانی پیشین را تصدیق می‌کند و هدایت و بشارت برای مؤمنان است.

۹۸- کسی که دشمن خدا و فرشتگان و فرستادگان او و جبرئیل و میکائیل باشد (کافر است و) خداوند دشمن کافران است.

شان نزول

هنگامی که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به مدینه آمد روزی ابن صوريا (یکی از علمای یهود) با جمعی از یهود فدک نزد پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) آمدند، و سؤالات گوناگونی از حضرتش کردند، و نشانه‌هایی را که گواه نبوت و رسالت او بود جستجو نمودند، از جمله گفتند: ای محمد خواب تو چگونه است؟ زیرا به ما اطلاعاتی درباره خواب پیامبر موعود داده شده است، فرمود: تنام عینای و قلبی یقظان! «چشم من به خواب می‌رود اما قلبم

بیدار است» گفتند راست گفتی ای محمد! و پس از سؤالات متعدد دیگر، ابن صوری گفت: یک سؤال باقی مانده که اگر آن را صحیح جواب دهی به تو ایمان می‌آوریم و از تو پیروی خواهیم کرد، نام آن فرشته‌ای که بر تو نازل می‌شود چیست؟ فرمود: جبرئیل است.

«ابن صوری» گفت: او دشمن ما است، دستوره‌ای مشکل درباره جهاد و جنگ می‌آورد، اما میکائیل همیشه دستوره‌ای ساده و راحت آورده، اگر فرشته وحی تو میکائیل بود به تو ایمان می‌آوردیم!.

تفسیر :

ملت بهانه جو!

بررسی شائن نزول آیه فوق انسان را بار دیگر به یاد بهانه جوئیهای ملت یهود می‌اندازد که از زمان پیامبر بزرگوار موسی (علیه السلام) تا کنون این برنامه را دنبال کرده‌اند، و برای شانه خالی کردن از زیر بار حق هر زمان به سراغ بهانه‌ای می‌روند.

در اینجا چنانکه مشاهده می‌کنیم: تنها بهانه این است که چون جبرئیل فرشته وحی تو است و تکالیف سنگین خدا را ابلاغ می‌کند ما ایمان نمی‌آوریم، ما دشمن او هستیم اگر فرشته وحی میکائیل بود، بسیار خوب بود، ایمان می‌آوردیم؟.

از اینان باید پرسید مگر فرشتگان الهی با یکدیگر از نظر انجام وظیفه فرق دارند؟ اصولاً مگر آنها طبق خواسته خودشان عمل می‌کنند یا از پیش خود چیزی می‌گویند؟ آنها همانگونه‌اند که قرآن معرفی کرده لا یعصون الله ما امرهم: «هر چه خداوند دستور دهد همان را انجام می‌دهند» (تحریم- ۶). به هر حال قرآن در پاسخ این بهانه جوئیها چنین می‌گوید: «به آنها بگو

---

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۳۶۲

هر کس دشمن جبرئیل باشد (در حقیقت دشمن خدا است) چرا که او به فرمان خدا قرآن را بر قلب تو نازل کرده است» (قل من كان عدوا لجبريل فانه نزله على قلبك باذن الله).

«قرآنی که کتب آسمانی پیشین را تصدیق می‌کند» (و هماهنگ با نشانه‌های آنها است) (مصدقاً لما بین یدیه).

«قرآنی که مایه هدایت و بشارت برای مؤمنان است» (و هدی و بشری للمؤمنین).

در حقیقت در این آیه سه پاسخ به این گروه داده شده است:  
نخست اینکه جبرئیل چیزی از نزد خود نمی آورد هر چه هست «بإذن الله»  
است.

دیگر اینکه نشانه صدق از کتب پیشین در آن وجود دارد چرا که مطابق  
نشانه‌های آنها است.

سوم اینکه محتوای آن خود دلیل بر اصالت و حقانیت آن می باشد.  
آیه بعد همین موضوع را با تاء کید بیشتر تواءم با تهدید بیان می کند و می گوید:  
«هر کس دشمن خدا و فرشتگان و فرستادگان او و جبرئیل و میکائیل باشد  
خداوند دشمن او است، خدا دشمن کافران است» (من کان عدوا لله و ملائکته  
و رسله و جبریل و میکال فان الله عدو للکافرين).  
اشاره به اینکه اینها قابل تفکیک نیستند الله، فرشتگان او، فرستادگان او،  
جبرئیل، میکائیل و هر فرشته دیگر، و در حقیقت دشمنی با یکی دشمنی با  
بقیه است.

به تعبیر دیگر دستورات الهی که تکامل بخش انسانهاست از سوی خداوند

---

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۳۶۳

بوسیله فرشتگان بر پیامبران نازل می شود و اگر تفاوتی بین ماءموریت‌های آنها  
باشد از قبیل تقسیم مسئولیت است نه تضاد در ماءموریت، آنها همه در مسیر  
یک هدف قرار دارند، بنابراین دشمنی با یکی از آنها، دشمنی با خدا است.

**«جبریل» و «میکال»**

نام «جبریل» سه بار، و نام «میکال» یکبار در قرآن مجید، در همین  
مورد آمده است و از همین آیات استفاده می شود که هر دو از فرشتگان بزرگ و  
مقرب خدایند (در تلفظات معمولی مسلمین جبرئیل و میکائیل هر دو با همزه  
و یاء تلفظ می شود، ولی در متن قرآن تنها به صورت جبریل و میکال آمده  
است) جمععی عقیده دارند که «جبریل» لفظی است عبرانی و اصل آن  
«جبرئیل» به معنی «مرد خدا» یا «قوت خدا» است ( «جبر» به  
معنی «قوت یا مرد» و «ئیل» به معنی «خدا» است).

به موجب آیات مورد بحث جبرئیل پیک وحی خدا بر پیامبر، و نازل کننده قرآن  
بر قلب پاک او بوده است، در حالی که در سوره نحل آیه ۱۰۲ واسطه وحی  
«روح القدس» معرفی شده.

و در سوره «شعراء آیه ۱۹۱» می خوانیم قرآن را روح الامین برای آن حضرت

آورده، ولی همانگونه که مفسران تصریح کرده‌اند: منظور از روح القدس و روح الامین همان جبرئیل است.

ضمن احادیثی در دست داریم که به موجب آنها جبرئیل به صورتهای گوناگون بر پیامبر نازل می‌شد و در مدینه جبرئیل غالباً به صورت دحیه کلبی که مردی بسیار زیبا بود بر آن حضرت نمایان می‌گشت. از سوره نجم استفاده می‌شود که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) جبرئیل را دو بار

---

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۳۶۴

(به صورت اصلیش) مشاهده کرد. در کتب اسلامی معمولاً چهار فرشته مقرب خدا را جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل شمرده‌اند که از میان اینها جبرئیل از همه برتر است. در منابع یهود نیز سخن از جبریل و میکال آمده است، از جمله در کتاب دانیال جبرئیل به عنوان مغلوب کننده رئیس شیاطین و میکائیل به عنوان حامی قوم اسرائیل معرفی شده.

بعضی از محققان می‌گویند در منابع یهود چیزی که دلالت بر خصومت جبریل با آنها داشته باشد دیده نشده، و این خود مؤید آن است که اظهار عداوت یهودیان معاصر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نسبت به جبریل یک بهانه بیش نبوده، تا بوسیله آن از پذیرش اسلام سر باز زنند، چرا که در منابع مذهبی خودشان ریشه‌ای نداشته است.

---

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۳۶۵

آیه ۹۹ - ۱۰۱

آیه و ترجمه

و لقد انزلنا الیک ءایات بینات و ما یکفر بها الا الفاسقون ۹۹  
او کلما عاهدوا عهداً نبذه فریق منهم بل اکثرهم لا یؤمنون ۱۰۰  
و لما جاءهم رسول من عند الله مصدق لما معهم نبذ فریق من الذین اوتوا  
الکتاب کتب الله وراء ظهورهم کانهم لا یعلمون ۱۰۱  
ترجمه :

۹۹- نشانه‌های روشنی برای تو فرستادیم، و جز فاسقان کسی به آنها کفر نمی‌ورزد.



۱۰۰- و آیا هر بار آنها (یهود) پیمانی (با خدا و پیامبر) بستند جمعی آن را دور نیفکندند؟ (و با آن مخالفت نکردند؟) و بیشتر آنها ایمان نمی آورند.  
۱۰۱- و هنگامی که فرستاده‌ای از سوی خدا به سراغشان آمد در حالی که با نشانه‌هایی که نزد آنها بود مطابقت داشت، جمعی از آنان که دارای کتاب بودند کتاب خدا را پشت سرافکندند، گوئی اصلا از آن خبر ندارند.

### شاء نزول

در مورد آیه اول شاء نزولی از ابن عباس نقل شده است و آن اینکه: «ابن صوری» دانشمند یهودی از روی لجاج و عناد به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) گفت: تو

---

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۳۶۶

چیزی که برای ما مفهوم باشد نیاورده‌ای! و خداوند نشانه روشنی بر تو نازل نکرده تا ما از تو تبعیت کنیم، آیه فوق نازل شد و به او صریحا پاسخ گفت.

### تفسیر :

### پیمان شکنان یهود

در نخستین آیه مورد بحث، قرآن به این حقیقت اشاره می کند که دلائل کافی و نشانه‌های روشن و آیات بینات در اختیار پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) قرار دارد و آنها که انکار می کنند در حقیقت، پی به حقانیت دعوت او برده و به خاطر اغراض خاصی به مخالفت برخاسته‌اند، می گوید: «ما بر تو آیات بینات نازل کردیم و جز فاسقان کسی به آنها کفر نمی ورزد» (و لقد انزلنا الیک آیات بینات و ما یکفر بها الا الفاسقون).

تفکر در آیات قرآن برای هر انسان پاکدل و حقجوئی روشن کننده راهها است و با مطالعه این آیات می توان به صدق دعوت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و عظمت قرآن پی برد، ولی این حقیقت را تنها کسانی درک می کنند که قلبشان بر اثر گناه تاریک نشده باشد، بنابراین جای تعجب نیست که فاسقان و آلودگان به گناه و آنها که از اطاعت فرمان خدا سر باز زده‌اند هرگز به آن ایمان نیاورند.

سپس به یکی از اوصاف بسیار بد جمعی از یهود یعنی پیمان شکنی که گویا با تاریخ آنها همراه است اشاره کرده می گوید: «آیا هر بار آنان پیمانی با خدا و پیامبر بستند جمعی از آنها آن را دور نیفکندند و با آن مخالفت نکردند؟! (او کلما عاهدوا عهدا نبذه فریق منهم).

آری «اکثرشان ایمان نمی‌آورند» (بل اکثرهم لا يؤمنون). خداوند از آنها در کوه طور پیمان گرفت که به فرمانهای تورات عمل کنند

---

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۳۶۷

ولی سر انجام این پیمان را شکستند و فرمان او را زیر پا گذاردند. و نیز از آنها پیمان گرفته شده بود که به پیامبر موعود (پیامبر اسلام که بشارت آمدنش در تورات داده شده بود) ایمان بیاورند به این پیمان نیز عمل نکردند.

یهود بنی نضیر و بنی قریظه هنگام ورود پیامبر اسلام به مدینه نیز با او پیمان بستند که لااقل به دشمنانش کمک نکنند، ولی عاقبت این پیمان را هم شکستند و در جنگ احزاب بامشرکان مکه بر ضد اسلام همکاری کردند. اساساً این شیوه دیرینه اکثریت یهود است که به عهد خویش پایبند نیستند و هم اکنون نیز به روشنی می‌بینیم که هرگاه منافع صهیونیستها و اسرائیل غاصب به خطر بیفتد، تمام عهدنامه‌های خصوصی و جهانی را زیر پا گذارده، و با بهانه‌های واهی همه را به دست فراموشی می‌سپارند.

آخرین آیه مورد بحث، تاءکید صریحتر و گویاتری روی همین موضوع دارد می‌گوید: «هنگامی که فرستاده‌ای از سوی خدا به سراغ آنها آمد و با نشانه‌هایی که نزد آنها بود مطابقت داشت، جمعی از آنان که دارای کتاب بودند کتاب الهی را پشت سر افکندند، آنچنان که گوئی اصلاً از آن خبر ندارند» (و لما جائهم رسول من عند الله مصدق لما معهم نبذ فريق من الذين اوتوا الكتاب كتاب الله وراء ظهورهم كانهم لا يعلمون).

تا آن زمان که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) مبعوث نشده بود علمای یهود، مردم را به آمدنش بشارت می‌دادند و نشانه‌ها و مشخصات او را بر می‌شمردند اما هنگامی که به رسالت مبعوث گشت آنچنان از محتویات تورات، رخ بر تافتند که گوئی هرگز آن را ندیده بودند و نخوانده بودند. آری این است نتیجه خودخواهی و دنیا پرستی که انسانی را که در آغاز از

---

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۳۶۸

مبیلغان سر سخت حق بوده به هنگام رسیدن به آن در صف دشمنان آشتی ناپذیر قرار می‌دهد.

نکته‌ها

### نکته : ۱

روشن است تعبیر به «نزول» (فرود آمدن) یا «انزال» (فرو فرستادن) در مورد قرآن مجید به این معنی نیست که مثلاً خداوند مکانی در آسمانها دارد و قرآن را از آن محل بالافرو فرستاده است، بلکه این تعبیر اشاره به علو مقامی و معنوی پروردگار است.

### نکته : ۲

کلمه «فاسق» از ماده «فسق» در اصل به معنی خارج شدن هسته از درون رطب (خرمای تازه) است، به این ترتیب که گاهی رطب از شاخه درخت نخل سقوط می کند، هسته از درون آن به خارج می پرد، عرب از این معنی تعبیر به «فسقت النواة» می کند سپس به تمام کسانی که لباس طاعت پروردگار را از تن در آورده و از راه و رسم بندگی خارج شده اند فاسق گفته شده است.

در حقیقت همان گونه که هسته خرما به هنگام بیرون آمدن، آن قشر شیرین و مفید و مغذی را رها می سازد، آنها نیز با اعمال خود تمام ارزش و شخصیت خویش را از دست می دهند.

### نکته : ۳

قرآن در بحثهای فوق مانند دیگر بحثها هرگز تمام یک قوم را به خاطر گناه اکثریت مورد ملامت قرار نمی دهد، بلکه با تعبیر «فریق» و همچنین «اکثر» سهم اقلیت با تقوا و مؤمن را محفوظ می دارد، و این است راه و رسم حق طلبی و حق جوئی.

